



• Special for Second Anniversary of  
Academy of Art

## HORROR MOVIES CASE IN THE 1ST DECADE OF 21ST CENTURY

### With Writings of:

Ramin Alayi - Damoon Ghanbarzadeh - Mehdi Mirghaderi  
Narges Jahanbakhsh - Omid Pashayi - Majid Rahimi Jafari  
Milad Roshany Payan - Niyousha Safari - Ali Shahab - Akbar  
Shariat - Arezou Soleimani - Hootan Zangenepoor

### Works Reviewed:

28 Days Later - American Psycho - Antichrist  
Dark Water - Final Destination - Hostel - House  
of 1000 Corpses - Ichi the Killer - Saw - Silent  
Hill - Suicide Club - The Last House in the Left  
The Others - The Mist - Thirst



## فهرست مطالب

- ۱ ..... فهرست مطالب
- ۲ ..... سینمای وحشت در آغاز قرن بیست و یکم
- ۳ ..... ۲۸ روز بعد (دنی بویل): جنون آخرالزمانی
- ۴ ..... آب تیره (والتر سالس): ترسی از اعماق وجود
- ۵ ..... اره (جیمز ون): قصابی بدن و ایده‌هایی برای رستگاری
- ۶ ..... اقامتگاه (الی راث): قصابی در براتیسلاوا
- ۷ ..... ایچی قاتل (تاکاشی میکه): یک شعرسادومازوخیستی
- ۸ ..... آخرین خانه سمت چپ (دنیس ایلیدیس): ادای دینی باشکوه
- ۹ ..... باشگاه خودکشی (شیون سونو): خودکشی در کوچه و خیابان برای رستگاری!
- ۱۰ ..... تپه خاموش (کریستوفر گنس): ما حقیقت را در باغچه پیدا کردیم ...
- ۱۱ ..... خانه‌ی هزار جسد (راب زامبی): تلی از جسد بر روی نگاتیوهای خش‌دار
- ۱۱ ..... دیگران (الخاندرو آمن‌ابار): ستایش آگاهی
- ۱۳ ..... ضد مسیح (لارس فون تریر): نسیم سردِ باغِ عِدن
- ۱۴ ..... عطش (چن ووک پارک): رنگ‌آمیزی خون در تاریکی
- ۱۵ ..... سری «مقصد نهایی»: مرگ میزبان شماسست
- ۱۶ ..... مه (فرانک دارابونت): خوب نگریستن در آینه

## سینمای وحشت در آغاز قرن بیست و یکم

مجید رحیمی جعفری<sup>۱</sup>

HORROR MOVIES CASE IN THE  
1ST DECADE OF 21ST CENTURY



"فیلم ترسناک پیوسته یکی از پرطرفدارترین و در عین حال بی‌اعتبارترین و بدآوازه‌ترین ژانرهای هالیوود بوده است. این نوع محبوبیت به خودی خود دارای ویژگی خاصی است که فیلم ترسناک را متمایز از سایر ژانرها قرار می‌دهد. این محبوبیت، فیلم ترسناک را محدود به طرفداران دوآتشی‌اش می‌کند و یا آن گروه از مردم را که تمایل به دیدن فیلم‌های ترسناک دارند - چه این تمایل ناشی از وسواس خاص باشد چه اساساً هیچ وسواسی در آن وجود نداشته باشد - با انزوای کامل روبه‌رو می‌کند. این گروه سینماورها از سوی اکثر منتقدان سینمایی یا تحقیر می‌شوند، یا مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و یا به سادگی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند."

(رابین وود، ۱۹۷۹)

ژانر وحشت در نخستین روزهای پیدایش سینما جلوه‌ی مناسبی از هنر داشت؛ زیرا داستان‌هایشان از ادبیات فاخر، طراحی هنریشان از هنر اروپا - به خصوص اکسپرسیونیست گوتیک - گرفته شده بود و عنصر ترسناک موجودی ناشناخته و با شخصیت‌پردازی نزدیک به فردیت بود. سینمای وحشت در دوران آغازین خود با ژانرهای مختلف درآمیخته بود اما هنوز تئوریزه به آن پرداخته نمی‌شد. در سینمای اکسپرسیونیست آلمان با اتاق کار دکتر کالیگاری ساخته روبرت وینه و نوسفراتو یک سمفونی وحشت ساخته فردریش ویلهلم مورناتو نمونه‌های برجسته‌ای در وحشت روانکاوانه خلق شد و این نوع سینما به آمریکا رفت و با دوباره‌سازی جدی فیلم‌های دکتر جکیل و آقای هاید، فرانکشتاین و دراکولا پی گرفته شد. کم‌کم سینما با ژانر علمی-تخیلی تعاملی برقرار کرد و موجودات ناشناخته را هدف قرار می‌گرفت. این سینما تا اوایل دهه‌ی ۱۹۴۰ به همین منوال تکرار شد ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1786-horror.html>

<sup>1</sup> majidrahimi@academyhonar.com

## ۲۸ روز بعد (دنی بویل): جنون آخرالزمانی

مجید رحیمی جعفری<sup>۱</sup>



اگر با فیلم‌های دنی بویل آشنا باشید نگاه او را به آینده کاملاً مثبت و روشن خواهید دید. کارگردانی که امید در آثارش موج می‌زند و حتی در تمی آپوکالیپستی آن را پی می‌گیرد و همیشه روزه‌های امید را از بین نمی‌برد. کاراکترهایش همه با امید زنده‌اند و شاید اگر امید را بخواهید از آن‌ها بگیرید آن لحظه آن‌ها را مرده می‌بینید. در سخت‌ترین شرایط برای رسیدن به هدفشان می‌جنگند، تلاش می‌کنند و پیش می‌روند البته نه آن تلاش‌های انسان‌مدارانه که اومانیزم را تبلیغ می‌کند بلکه کاملاً کاراکترهای او نگره هالیوودیزم را پس می‌زنند و تلاششان استعلایی است و آن قدرت از بالاست که در نهایت انسان مستعد را یاری می‌رساند.

دنی بویل در یکی دیگر از تجارب خود با الکس گارلند -نویسنده که در فیلم‌های ساحل و سانشاین با بویل همکاری کرده است- به سراغ سینمای وحشت می‌رود و یکی از کامل‌ترین فیلم‌های ژانر وحشت را می‌سازد. فیلمی که بیش از دغدغه‌های ژانر پیش می‌رود و مورد الهام فیلم‌های دیگری حتی با عنوان‌های وام گرفته از ۲۸ روز بعد ۲۸ Days Later قرار می‌گیرد. در مرکز داستان جیم (سیلیان مورفی) قرار دارد ....

[ادامه مطلب ...](#)

<http://academyhonar.com/1389-02-23-16-17-06/1389-02-23-16-20-31/1483-28-days-later.html>

<sup>1</sup> majidrahimi@academyhonar.com

## آب تیره (والتر سالس): ترسی از اعماق وجود

علی شهاب<sup>۱</sup>



همیشه ترس ما نتیجه‌ی دیدن لحظه‌ی یک موجود کریه و وحشتناک و یا حادثه‌ای دلخراش نیست، بلکه گاهی ترس‌ها ریشه‌هایی بسیار عمیق‌تر در درون ذهن و ناخودآگاه انسان دارد که سال‌ها طول می‌کشد تا کم‌کم رشد کرده و نشانه‌های خود را آشکار کند. فیلم آب تیره اثر والتر سالس نیز از آن نوع فیلم‌هایی است که در عصر تکنولوژی و پیشرفت فنی، غرق در جذابیت‌های بصری و جلوه‌های ویژه نشده و به سینما به عنوان اسبابی برای تفکر و شناخت زوایای پیچیده روح انسان احترام می‌گذارد و بر عکس خیلی از هم خانواده‌های خود به شعور مخاطب توهین نمی‌کند. فیلم به ما چیزی بسیار فراتر از سلسله صحنه‌های کریه و تهوع‌آور بی‌ارزش از زاویه دوربین را هدیه می‌کند و به این طریق در سالی که رقیبان پرطرفدار و پر حاشیه‌ای داشت توانست جایگاه خوبی برای خود دست و پا کند. در قرنی که اکثر فیلم‌های ژانر وحشت فقط و فقط از فرمول تکراری و سخیف BBB (blood, beast & breast) دنباله‌روی می‌کنند باید قدر فیلم‌هایی نظیر آب تیره با پشتوانه روانشناختی مناسب را دانست. در این فیلم ترس ما از روح، هیولا، جن، یا فضایی‌ها نیست، بلکه ترس از رانده شدن و صدمه دیدن توسط عزیزترین عضو خانواده خود است.

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1778-dark-water.html>

<sup>1</sup> alishahab\_hello@yahoo.com



## اره (جیمز ون): قصابی بدن و ایده‌هایی برای رستگاری

میلااد روشنی پایان<sup>1</sup>



واکنش عمومی اولیه در مقابل جان کرامر، مشهور به قاتل اره آهنبری در فیلم اره، به ظاهر می‌تواند همان واکنش همیشگی در برابر فیگور هیولا به مثابه‌ی عامل موقتی اختلال باشد. اختلالی که نتیجه‌ی فوری آن، به شکلی قابل انتظار منجر به شکل‌گیری سه جایگاه سنتی هیولا، قربانی و ناجی خواهد شد. این نظم جدیدی است که از دل بی‌نظمی ناشی از حضور هیولا، بازتولید می‌شود. عمده فعالیت تماشاگران در این نظم جدید، کاهش حداکثری فاصله خود با موقعیت/ماهیت هیولا و غلبه بر وحشت ناشی از این کاهش فاصله است. تماشاگران می‌توانند امیدوار باشند که با نزدیک شدن به هیولا بتوانند نقطه ضعف‌های احتمالی او را کشف کنند و آن‌ها را برای ضربه زدن به او در اختیار ناجی قرار دهند. آن‌ها می‌توانند تشخیص دهند که نقطه ضعف دراکولا و یا شیطان در جن‌گیر، شمایل‌های مسیحی چون صلیب است و یا زامبی‌های جرج رومرو در مقابل نور آفتاب آسیب پذیرند ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://academyhonar.com/analysis/cinema-usa/1772-saw.html>

<sup>1</sup> milad.roshany@gmail.com

<https://www.facebook.com/miladRoshaniP>

## اقامتگاه «Hostle» (الی راث): قصابی در براتیسلوا

رامین اعلائی<sup>۱</sup>



"آری دوست من، من از طبیعت متنفرم. و دلیل نفرت من از آن روست که من آن را خوب میشناسم. با شناختِ اسرارِ دهشتناک او، لذتی توصیفناپذیر در تقلید از اعمال شرور او احساس می‌کردم. اگر چه از طبیعت متنفرم اما از آن تقلید هم می‌کنم. دام‌های مهلک او تنها برای ما پهن می‌شود. بگذار طبیعت را با تور خودش به دام بیاندازیم. طبیعت با معرفی معلول‌هایش، علت‌ها را پنهان می‌سازد. پس من به تقلید از معلول‌ها بسنده می‌کنم. من قادر به درک انگیزه‌ای که خنجر را در دستان او قرار داده نیستم، اما توانسته‌ام خنجر را از دستانش بگیرم و مانند طبیعت از آن خنجر استفاده کنم." گفتار آلمانی<sup>۲</sup> شیمیدان در کنار کوهِ اِنتا<sup>۳</sup>

شرارتِ فرد در برابر شرارتِ سیستم که البته وقوع اولی معلول وقوع دومی است و نه برعکس. به هر حال آن‌چه در این بحث حائز اهمیت است فقدانِ الگوی ابدی ازلی تخصص بین مفهوم خیر و شر است ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://academyhonar.com/notation/cinema-usa/1745-hostel.html>

<sup>1</sup> raminalayi@academyhonar.com

<sup>2</sup> Almani

<sup>3</sup> Enta

## ایچی قاتل (تاکاشی میکه): یک شعر سادو مازوخیستی

### امید پاشایی<sup>1</sup>

"گوش کن وقتی به کسی دردی رو اهدا می‌کنی، نباید درباره احساس دردی که در طرف مقابلت ایجاد میشه فکر کنی، باید به لذتی که از درد کشیدن طرف می‌بینی تمرکز کنی، این بالاترین هدیه‌ایه که به یه مازوخیست (طرف مقابلت) می‌دی... در وحشی بازی‌های تو نشانی از عشق نیست..."



داستان مرد ساده لوحی چون ایچی که هم‌چون کودکان گریه می‌کند و آب از بینی‌اش سرازیر می‌شود و در دنیای گانگسترهای سادیستی گرفتار شده و خاطرات تلخی از گذشته او را احاطه کرده است و مردی به نام جیچی با تفکراتی آرمانی که می‌خواهد در برابر یاکوزای خشن ژاپن بایستد، بیشتر شبیه یک داستان کلاسیک از مرد گرفتاری است که قصد برون رفت از این مشکلات به همراهی مرشدش را دارد؛ اما ماجرا و رای این قصه بارها گفته شده است ...

### ادامه مطلب ...

<http://www.academyhonar.com/analysis/cinema-usa/1775-ichi.html>

<sup>1</sup> shabah\_pasha@yahoo.com



## آخرین خانه سمت چپ (دنیس ایلیدایس): ادای دینی باشکوه

مهدی میرقادری<sup>۱</sup>



سینمای ترسناک دهه‌ی ۱۹۷۰ را بهترین دوران این سینما لقب داده‌اند و آن‌چه باید از فیلم‌های محبوبان انتخاب می‌کردیم، سینمای وحشت یا فیلم‌های آن در سه دهه بعد بود. من با توجه به علاقه‌ام باید بگویم به سراغ یکی از بهترین‌های دهه رفتم که ادای دینی به فیلمی به همین نام ساخته وس کریون است. خانه‌ی سمت چپ *The Last House on the Left* در سال ۱۹۷۲ توسط وس کریون یکی از بهترین کارگردانان تاریخ سینمای وحشت ساخته شده است و در سینمای اکسپلویتیشن به دوباره‌سازی این فیلم‌ها ماک‌باستر می‌گویند. بازسازی یک فیلم از دهه‌ی ۱۹۷۰ بسیار جذاب است همان‌گونه که راب زامبی سراغ هالووین کارپنتر رفت اما دنیس ایلیدایس را می‌توان موفق‌ترین فرد در این سری انبوه ماک‌باسترها لقب داد ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1781-the-last-house-on-the-left.html>

<sup>1</sup> mehdi\_fdesigner@yahoo.com

## باشگاه خودکشی (شیون سونو): خودکشی در کوچه و خیابان برای رستگاری!

علی شهاب<sup>۱</sup>



تصور کنید صبح زود در حال رفتن به محل کار یا مدرسه هستید و به محض اینکه که وارد کوچه‌ای فرعی می‌شوید با صحنه جنازه متلاشی شده چند نفر که به صورت گروهی خود را از پشت بام ساختمانی به پایین انداخته‌اند روبه‌رو می‌شوید! سپس در طول روز مدام اخباری مبنی بر خودکشی‌های گروهی در سطح شهر به گوشتان می‌خورد و مدام نگرانید که فرزند یا دیگر اعضای خانواده شما عضو این گروه‌های خودکشی نباشند و جنازه‌شان در میان افرادی که امروز خودکشی کرده‌اند پیدا نشود. حسی از نا امنی و نگرانی جامعه را در بر می‌گیرد و مدارس به دلیل خودکشی‌های گروهی دانش‌آموزان تعطیل می‌شوند، ادارات هم اوضاع زیاد خوبی ندارند و با همین معضل دست به گریبان‌اند ... این جهانی است که در اوایل قرن اخیر پس از به وجود آمدن باشگاه‌های خودکشی در کشور ژاپن ذهن سازندگان فیلم را آزار می‌داده است. فیلم‌هایی از این گونه به دنبال به وجود آمدن یک جریان اجتماعی تازه ساخته می‌شوند تا دغدغه‌ها و نگرانی‌های سازندگان در مورد این اتفاق جدید و تغییرات و اثرات آن را نمایش دهند و برای هشدار دادن در مورد آینده و انتقال این حس به دیگران از سینما استفاده می‌کنند...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/other-cinema/1782-suicide-club.html>

<sup>1</sup> alishahab\_hello@yahoo.com

تپه خاموش (کریستوفر گنس): ما حقیقت را در باغچه پیدا کردیم ...<sup>۱</sup>

نیوشا ستاری<sup>۲</sup>



A painting by Beksinaki

تپه‌ی خاموش داستان دختر کوچکی به نام شارون است که کابوس‌های وحشتناکی در مورد شهری به نام سایلنت هیل (silent hill) دیده و دچار خوابگردی شده است. رز (مادر شارون) معتقد است برای درمان شارون باید او را به محلی که در کابوس‌هایش می‌بیند ببرند، بنابراین به رغم مخالفت‌های همسرش (کریستوفر) او و شارون به طرف شهر سایلنت هیل حرکت می‌کنند. در بین راه ناگهان یک دختر بچه وسط جاده آمده و ماشین آن‌ها از جاده منحرف می‌شود. رز بیهوش شده و زمانی که به هوش می‌آید می‌بیند که شارون در ماشین نیست. او با پلیسی به نام سیبل بنت که در تعقیب آن‌ها به این شهر رسیده است، جست‌وجو برای یافتن شارون در داخل شهر را آغاز می‌کند ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1776-silent-hill.html>

<sup>۱</sup> نام شعری از فروغ فرخزاد

<sup>۲</sup> niyousha.s@gmail.com

## خانه‌ی هزار جسد (راب زامبی): تلی از جسد بر روی نگاتیوهای خش‌دار

آرزو سلیمانی<sup>۱</sup>



سال ۱۹۹۹ راب زامبی خواننده شهیر هوی متال تصمیم به ساخت فیلم خانه‌ی هزار جسد House of 1000 Corpses گرفت. در ابتدا قرار بر سرمایه‌گذاری یونیورسال بود؛ اما خشونت زیاد آن سبب شد یونیورسال دست به عصا در مورد اولین کارگردانی زامبی تصمیم بگیرد. پس از چندی کمپانی لایونسگیت شریک یونیورسال شد و فیلم ساخته شد. به تأخیر افتادن اولین فیلم زامبی کم نبود و بالاخره با رنگ و لعاب فیلم‌های وحشت دهه‌ی ۱۹۷۰ ساخته و در سال ۲۰۰۳ با درجه NC-17 بالاترین درجه ممنوعیت سنی در سینمای رده‌ی الف اکران شد.

در دهه‌ی هفتاد فیلمی با همین نام توسط پُل هریسون ساخته شده است؛ اما من به هیچ‌وجه نمی‌توانم اثر هریسون را با فیلم تماماً خون‌بار زامبی مقایسه کنم. جنس آثار زامبی کاملاً متفاوت از یک فیلم وحشت صرف است. زامبی را می‌توان تأثیر گرفته از جان کارپنتر و تاد هوپر دانست. سینمای خون‌بار ترش ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://academyhonar.ir/notation/cinema-usa/1771-house-of-1000-corpes.html>

<sup>1</sup> arezousoleimani@academyhonar.com

## دیگران (الخاندرو آمن ابار): ستایش آگاهی

اکبر شریعت<sup>۱</sup>



۱- کریس قبل از آن که به حقیقت مرگ خود و فرزندانش آگاه شود، تمام تلاش خود را می‌کند تا بچه‌هایش را از نور خورشید در امان نگاه دارد. او حتی زمانی که بچه‌هایش از ترس نوری که خانه را غرق کرده (تعبیری که کریس از نور خورشید دارد همین است زمانی که به خدمت‌کاران توضیح می‌دهد که ورود نور به این خانه، مثل ورود آب به کشتی است. هر دو ویران‌گرند و غرق می‌کنند!) جیغ می‌کشند و با این حال اتفاقی برایشان نمی‌افتد بر این اعتقاد خود پافشاری می‌کند! اما دقیقاً زمانی که نسبت به حقیقت آگاه می‌شود نور را می‌پذیرد. از این منظر شاید بتوان ادعا کرد که دیگران *The Others* فیلمی درباره‌ی جهالت و فقدان آگاهی است.

۲- فقدان آگاهی کاراکترها و همچنین مخاطب نسبت به عنصر خطرناک (هیولا)، جزء عناصر ساختاری فیلم‌های ژانر وحشت است. در این ژانر، وحشت بیش از آن که برآمده از عنصر خطرناک باشد...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1777-the-others.html>

<sup>1</sup> sha\_1250@yahoo.com



## ضد مسیح (لارس فون تریر): نسیم سردِ باغِ عِدِن

هوتن زنگنه پور<sup>۱</sup>



شاید نوشتن مطلبی در تأیید یا تحسین ساخته‌ی جنجالی لارس فون تریر یعنی ضد مسیح *Antichrist* مبارزه‌طلبی با افرادی باشد که از نفی کنندگان محسوب می‌گردند، اما لزوماً هر تحلیلی تمجید و هر نفی به منزله نقد منفی نخواهد بود. پیش از این، چه بسا احساسی و بی‌استدلال، شاید به دلیل این‌که این مرد معلم سینمای من بود و به آن اندازه بدخلق نبود که تجربیاتش را به من بیاموزد در باب سحر این اثر حرف‌هایی به میان آورده بودم. پیش از داخل شدن به متن اصلی نقد، تحلیل فرم، سبک و اندیشه‌سازی در اثر می‌بایست خواننده محترم را به دو مسئله واقف کنم.

الف. آثار هنری، به ویژه انواع انتزاعی آن هم‌چون نقاشی و سینما، به غایت شخصی می‌شوند. اگرچه سینما هنری گروهی و حاصل کار چند نفر است، اما لزوماً خط فکری و اندیشه‌های یک فیلم‌مختر و در انحصار یک گروه نیست، اگر گروه فیلم‌ساز به طور مثال در تولید اثری شرکت جویند که در جهت دفاع از فمینیسم اجتماعی است باز هم لایه‌هایی در مولفه‌های سبکی و محتوایی اثر موجود است که تنها در ذهن یک نفر (مؤلف اثر) خلق شده است ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/analysis/other-cinema/1784-antichrist.html>

<sup>1</sup> hootanzanganeh@yahoo.com

## عطش (چن ووک پارک): رنگ آمیزی خون در تاریکی

آرزو سلیمانی<sup>۱</sup>



در اولین مواجهه با فیلم عطش Bakjwi باید این را در نظر داشت که شما با فضای بسیار تاریکی روبه‌رو هستید و قطعاً در چنین خوانشی نحوه تماشای آن بسیار حائز اهمیت است. در کل رنگ‌آمیزی سینمای چن ووک پارک همیشه به صورتی بوده است که با فضاهای تاریکی روبه‌رو بوده‌ایم اما این بار قضیه بسیار متفاوت است. تصاویر به صورت عجیب غریبی تاریک است و ۸۰ درصد فیلم در فضاهای بسیار تاریک می‌گذرد. اغلب اوقات فیلم شب هنگام درون خانه‌ای فیلمبرداری شده است که تنها یک منبع نور حقیقی دارد و همین ضربه بزرگی در نسخه‌های متفاوت فیلم دارد. ابتدا تصورم بر این بود که نسخه موجودم دارای مشکل است اما با جست‌وجویی در نقد دیگر منتقدان متوجه شدم آن‌ها نیز با چنین مشکلی در نسخه‌های موجود خود مواجه بوده‌اند. در هر صورت با وجود چنین نوری نباید از قاب‌بندی‌ها و فیلمبرداری خیلی خوب فیلم چشم‌پوشی کرد و اگر کمی نور بیشتری فضاهای تاریک داشتند لذت بصری از تماشای آن بیشتر می‌شد. یک نکته را هم نباید فراموش کرد که وقتی با خون‌آشام‌ها روبه‌رو هستید ...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/other-cinema/1780-thirst.html>

<sup>1</sup> arezousoleimani@academyhonar.com

## سری «مقصد نهایی»: مرگ میزبان شماست

نرگس جهانبخش<sup>۱</sup>



قهرمان در سری مقصد نهایی به نظر شما کیست؟ شخصی که یک دقیقه آینده را در رؤیای صادق می بیند و دیگر افراد را می خواهد نجات دهد یا این که قهرمان را عنصری فراتر از این حرفها می بینید. نظر من بر این است که در این سری مرگ نقش اصلی را بازی می کند. این مرگ است که به شما خود را نشان می دهد. مانند این که یک ضربه پنالتی را به دروازه بان بگویند به کدام سمت می زنند و بعد آن قدر ماهرانه ضربه زده شود که دروازه بان باز هم نتواند توپ را مهار کند. مرگ چنین نقشی در مقصد نهایی دارد. به یک نفر الهام می کند که او و هم قطارانش همگی خواهند مرد و کام مرگ را خواهند چشید. برخی توجهی با او ندارند و سلاخی می شوند و برخی دیگر تمام سعیشان را می کنند و باز هم اسیر او خواهند شد. این مرگ است که قهرمان را زنده می گذارد و به او می فهماند که در مقابل این امر مقدر هیچ از دستش بر نمی آید.

در قسمت اول الکس حادثه هواپیما را می بیند و از سفر جلوگیری می کند او در انتها تنها کسی است که اجازه دارد زنده بماند. حال به قسمت دوم برویم جایی که کیمبرلی ماجرای تصادف را متوجه می شود...

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/notation/cinema-usa/1779-final-destination.html>

<sup>1</sup> nargesjahanbakhsh@yahoo.com

## مه (فرانک دارابونت): خوب نگرستن در آینه

دامون قنبرزاده<sup>۱</sup>



خلاصه‌ی داستان: بعد از یک شب طوفانی در دهکده‌ای دورافتاده، اهالی تصمیم می‌گیرند از سوپرمارکتِ دهکده مواد غذایی بخرند تا انبار کنند اما بعد از احاطه شدن سوپرمارکت توسط مهی غلیظ و عجیب و پدیدار شدن سر و کله موجوداتی ترسناک، همه‌ی اهالی در آنجا حبس می‌شوند ...

یادداشت: به نظرم مهمترین عاملی که باعث می‌شود برخی مواقع، ژانر وحشت، با کلیتِ وسیعش و با وجود انواع و اقسام زیرگونه‌ها، چیزی فراتر از آنی بشود که در وهله‌ی اول به نظر می‌رسد، پیوند شخصیت منفی و مثبت داستان است. چیزی که همان جستجوی سوبه‌ی خیر و شر آدم‌ها لقب می‌گیرد. اینکه در هر انسانی هم خیر وجود دارد و هم شر و به قول کوبریکِ بزرگ: ((... اگر شما هیچ شری در خودتان نمی‌بیند، به این دلیل است که خوب در آینه به خودتان نگاه نکرده اید)) در ژانر وحشت، معمولاً اینگونه است که عاملی بیرونی، تعادل اولیه‌ی محیط را بهم می‌ریزد و آدم‌ها تلاش می‌کنند که این تعادل را برگردانند و البته برگشتن این تعادل، تاوان‌هایی را به همراه دارد.

[ادامه مطلب ...](#)

<http://www.academyhonar.com/1389-02-23-16-17-06/1389-02-23-16-20-31/1788-the-mist.html>

<sup>1</sup> damoonghanbarzadeh@yahoo.com

